



Judicial Specialization in Intellectual Property: Reasons, Necessities, and Advantages

Mahdi Mahdian Moghadam¹ | Badie Fathi²

1. Master of Intellectual Property Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author): m_mahdianmoghadam@atu.ac.ir
2. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran: badie.fathi@atu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
2024/09/04

Received in revised form:
2024/09/13

Accepted:
2024/09/30

Keywords:

Intellectual Property, Enforcement of IP Rights, Effective, Judicial Bodies, Judicial Specialization, Specialized IP Courts.

Abstract

Despite the absence of any provisions in international legal instruments regarding judicial specialization in intellectual property (IP), the establishment of specialized judicial bodies for IP has witnessed significant growth over the past few decades, especially in developing countries. In other words, the creation of specialized IP courts is becoming a global phenomenon. But why do governments voluntarily adopt this approach without any legal obligation? This paper, through a documentary and library-based method, along with legal, economic, and functional analyses, seeks to explore the reasons and necessities for judicial specialization in intellectual property and to elucidate the various aspects of this approach. The findings from the research and available sources suggest that alignment with international developments and practices, the role of IP rights in promoting international trade, the significant position and valuable opportunity that IP rights provide for technological and domestic economic development, the technical complexities, the complex, broad, and ambiguous legal rules surrounding IP, and the outcomes of judicial specialization such as the efficiency and quality of IP dispute resolution are among the reasons for establishing such specialized bodies. Additionally, concerns over judicial specialization in major policy documents, as well as demands from society and experts for improving the process and mechanisms for resolving disputes in this field of law, further justify the creation of these specialized courts.

How To Site

Mahdian Moghadam, Mahdi; Fathi, Badie (2024). Judicial Specialization in Intellectual Property: Reasons, Necessities, and Advantages. *Journal of Judgment*, 117(1), 16-36.

<http://doi.org/10.22034/judg.2024.2040370.1331>

DOI

10.22034/judg.2024.2040370.1331

Publisher

University of Tehran Press





تخصص گرایی قضایی در مالکیت فکری؛ دلایل، ضرورت‌ها و مزیت‌ها

مهدی مهدیان مقدم | بدیع فتیحی^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

m_mahdianmoghaddam@atu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: badie.fathi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: علمی- تخصصی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹</p> <p>کلیدواژه: مالکیت فکری، اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری، تخصص گرایی قضایی، مراجع قضایی، دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری.</p>	<p>علی‌رغم اینکه هیچ‌یک از مقررات موجود در اسناد بین‌المللی در رابطه با تخصص گرایی قضایی در مالکیت فکری دارای حکمی نیست، روند ایجاد مراجع قضایی ویژه مالکیت فکری طی چند دهه اخیر با رشد قابل ملاحظه‌ای در میان اکثر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه همراه بوده است. به عبارت دیگر، ایجاد دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری، در حال تبدیل شدن به یک پدیده جهانی فراگیر است. اما چرا دولت‌ها بدون الزام قانونی، آزادانه چنین رویکردی را به کار می‌گیرند؟ نوشتار پیش رو تلاش می‌کند تا با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و از رهگذر تحلیل‌های حقوقی، اقتصادی و کارکردی، به دلایل و ضرورت‌های تخصص گرایی قضایی در مالکیت فکری بپردازد و جنبه‌های مختلف جرایم این رویکرد را تبیین نماید. نتایج بررسی تحقیقات و منابع حاکی از آن است که هماهنگی با تحولات و رویه‌های بین‌المللی، نقش حقوق مالکیت فکری در ارتقای تجارت بین‌المللی، جایگاه مهم و فرصت ارزشمند استفاده از حقوق مالکیت فکری برای رشد و توسعه فناوری و اقتصاد داخلی، پیچیدگی‌های فنی، الزامات و قواعد حقوقی پیچیده، گسترده و مبهم مالکیت فکری، پیامدهای تخصص گرایی قضایی از جمله کارآمدی و کیفیت دادرسی مالکیت فکری، دغدغه تخصص گرایی قضایی در اسناد و سیاست‌گذاری‌های کلان و مطالبه جامعه و کارشناسان برای بهبود فرایند و مراجع حل و فصل اختلافات این حوزه از حقوق، از جمله دلایل ایجاد مراجع مذکور است.</p>
استناد	مهدیان مقدم، مهدی؛ فتیحی، بدیع (۱۴۰۳). تخصص گرایی قضایی در مالکیت فکری؛ دلایل، ضرورت‌ها و مزیت‌ها، فصلنامه قضاوت، ۱۱۷(۱)، ۱۶-۳۶.
DOI	http://doi.org/10.22034/judg.2024.2040370.1331
DOI	10.22034/judg.2024.2040370.1331
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

دستیابی به منافع اقتصادی و تجاری برای صاحبان دارایی‌های فکری، نه تنها به تلاش‌های فردی آنها، بلکه به وجود محیطی کلان و حامی حقوق مالکیت فکری وابسته است. توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز با هدف ایجاد چنین فضایی تصویب شده‌اند که منجر به هماهنگی در حمایت از این حقوق گردیده است. با این حال، این هماهنگی نسبی، بیشتر در جنبه ماهوی حقوق مالکیت فکری شکل گرفته و هیچ‌یک از مقررات کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ و بیست و سه معاهده دیگر تحت مدیریت آن، به‌طور صریح یا ضمنی به هیچ الزامی مبنی بر ایجاد نظام‌های قضایی یا دادگاه ویژه برای حمایت از حقوق مالکیت فکری اشاره نکرده است. حتی بند ۵ ماده ۴۱ موافقت‌نامه تریپس^۲ تأیید می‌کند که اعضای سازمان تجارت جهانی^۳ هیچ تعهدی مبنی بر تغییر نظام قضایی خود برای اجرای حقوق مالکیت فکری ندارند. با وجود این، در عمل دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به‌سرعت در حال ظهور هستند (Pinyosinwat, 2010, pp.4-5).

اهمیت اجرای مؤثر و کارآمد حقوق مالکیت فکری را می‌توان در نظریات هربرت هارت - فیلسوف برجسته انگلیسی - یافت. او در کتاب «مفهوم حقوق» که در ایران تحت عنوان «مفهوم قانون» برگردان شده، قلب یک نظام حقوقی را ساختار منتج از ترکیب قواعد اولی و قواعد ثانوی می‌داند. قواعد اولی به اعمالی مربوط می‌شوند که افراد باید انجام دهند یا از انجام آنها خودداری کنند، ولی قواعد ثانوی مربوط به خود قواعد اولی‌اند؛ بدین معنی که قواعد ثانوی روش‌هایی را مشخص می‌کنند که به‌وسیله آنها می‌توان قواعد اولی را شناسایی کرد و واقعیت نقض آنها را به‌نحو قطعی تعیین نمود. دسته‌ای از قواعد ثانوی تحت عنوان قواعد قضاوت وجود دارد که اختیار تعیین نقض قواعد اولی را در موقعیت‌های خاص اعطا می‌کند. این قواعد دسته‌ای از مفاهیم حقوقی از جمله قاضی یا دادگاه، قلمرو صلاحیت قضایی و رأی را تعریف می‌کنند. بنابراین برای تبدیل رژیم قواعد اولی مالکیت فکری به یک نظام حقوق مالکیت فکری مؤثر، برخورداری از مجموعه‌ای از قواعد ثانوی کارآمد امری ضروری و مسلم است و دادگاه‌های ویژه می‌توانند نقش مؤثری در اجرای حقوق مالکیت فکری داشته باشد (هارت، ۱۳۹۰، صص ۱۶۳-۱۵۸). از سوی دیگر، پژوهشگران متعددی در مطالعات خود همواره تلاش کرده‌اند تا عوامل دخیل در رشد و توسعه اقتصادی از طریق حمایت از مالکیت فکری را مورد شناسایی قرار دهند و با شناسایی و دسته‌بندی این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها که منحصر به ابعاد حقوقی نظام مالکیت فکری نیست، آن را ارزیابی کنند. بر اساس پژوهش‌هایی که مدل‌های ارزیابی نظام حقوق مالکیت فکری کشورهای مختلف و نهاد‌های بین‌المللی، از جمله سازمان جهانی مالکیت فکری و سایر سازمان‌های مربوطه را مورد بررسی قرار داده‌اند، برخی از این شاخص‌ها ناظر بر تعداد و کیفیت دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری و کیفیت فرایندهای اعمال حقوق مالکیت فکری در کشور و جهان و تحلیل فرایند ایجاد نهادهای دادرسی تخصصی است (نژادنوری و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۱۵۶-۱۱۹). این تدابیر را می‌توان به‌طور کلی تحت عنوان «تخصص‌گرایی قضایی^۴ در مالکیت فکری» تعریف کرد. تخصص‌گرایی قضایی عموماً به این معناست که قضات دانش و تخصص خاصی در زمینه خاصی از قانون دارند. به‌طور مشخص‌تر همچنین به این معنی است که انواع خاصی از پرونده‌ها تا حدودی متفاوت و احتمالاً جدا از بقیه رسیدگی می‌شوند. اگرچه تخصص‌گرایی به این معنا روند رو به رشدی است، تازگی

1. World Intellectual Property Organization (WIPO)

2. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

3. World Trade Organization (WTO)

4. Judicial specialization.

ندارد و نمونه‌های زیادی از تخصص‌گرایی قضایی در سراسر جهان و در انواع نظام‌های حقوقی وجود دارد (Gramckow and Walsh, 2013, p. 3).

با این توضیح، نوشتار پیش رو بر مطالعه چرایی ایجاد دادگاه‌های مالکیت فکری متمرکز است و تلاش می‌کند تا دلایل، ضرورت‌ها و مزایای تشکیل این دسته از مراجع را تبیین نماید. هر قلمرو قضایی که قصد اتخاذ چنین رویکردی را داشته باشد یا انجام اصلاحات و تغییرات در نظام اجرای حقوق مالکیت فکری را دنبال نماید، در ابتدا باید با توجه به واقعیت‌های موجود و دلایلی که در ادامه بررسی می‌گردد، سودمندی و ضرورت به‌کارگیری این سیاست را به‌دقت ارزیابی کند، چراکه تصمیم‌گیری در این باره محدود به مسائل مالکیت فکری نیست و ایجاد مراجع قضایی مالکیت فکری در هر شرایطی توصیه نمی‌گردد. به‌طور خلاصه بخشی از دلایل تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری ناظر بر ماهیت خاص آن است و بخش دیگر این دلایل بر پیامدهای ناشی از اتخاذ چنین رویکردی تکیه می‌کند. علاوه بر این، وجود سیاست‌گذاری در این زمینه از سمت حاکمیت و مطالبه بخش قابل توجهی از جامعه و فعالان حوزه مالکیت فکری از جمله صاحبان کسب‌وکارها نیز می‌تواند در کنار سایر دلایل، ضرورت ایجاد دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری را توجیه نماید.

۱. دلایل ناظر بر ماهیت مالکیت فکری

ماهیت خاص مالکیت فکری همواره یکی از دلایل اساسی رسیدگی ویژه به اختلافات این حوزه بوده، اما در بسیاری از منابع تحقیقی پیشین، کمتر به توضیح چستی و چرایی خاص بودن این ماهیت پرداخته شده است. به‌طور خلاصه شاید بتوان گفت منظور از ماهیت خاص مالکیت فکری، برخورداری از جنبه‌ها و خصوصیات متنوعی است که درک همه آنها مستلزم فراگرفتن تجربه، اطلاعات و دانش بسیار وسیعی است. مالکیت فکری دارای جنبه‌های بین‌المللی، تجاری و اقتصادی و همچنین جنبه‌های فنی و خصوصیات و الزامات حقوقی منحصر به فردی است.

۱-۱- ماهیت بین‌المللی و اقتصادی مالکیت فکری

نظر به توسعه حمایت از حقوق مالکیت فکری از مسیر وضع مقررات بین‌المللی در طول بیش از یک قرن اخیر، مالکیت فکری در تجارت بین‌الملل و همچنین اقتصاد داخلی کشورها اهمیت ویژه‌ای یافته است. از دیگر سو، رویه‌ها و تحولات بین‌المللی مالکیت فکری به سوی نوعی هماهنگی و یکنواختی در حرکت است. بنابراین حمایت و اجرای مؤثر مالکیت فکری از طریق رویه‌های متحدالشکل و در راستای انجام تعهدات بین‌المللی، نقش این حمایت مؤثر در ارتقای تجارت بین‌المللی و همچنین در رشد و توسعه اقتصادی، از جمله دلایل ناظر بر ماهیت بین‌المللی و اقتصادی مالکیت فکری است.

۱-۱-۱. تحولات بین‌المللی و ایجاد دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری

اصولاً حمایت از حقوق مالکیت فکری به قانون و رویه هر کشور بستگی دارد. با این حال، نظام‌های معاهده‌ای - مانند کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری^۵ یا کنوانسیون پاریس برای حمایت از آثار صنعتی^۶ - نقش بسیار مهمی در توسعه استاندارد بین‌المللی برای حمایت از مالکیت فکری ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر تلاش‌ها برای طراحی یک «نظام مالکیت فکری بین‌المللی» که تاحدی زاینده نگرانی‌های تجاری است، گسترش یافته و حاصل آن توسعه حقوق مالکیت فکری بین‌المللی ماهوی مداخله‌جویانه است. سی سال گذشته شاهد بنیادی‌ترین اصلاحات در خصوص حمایت جهانی از

⁵ Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works 1886

⁶ Paris Convention for the Protection of Industrial Property 1883

حقوق مالکیت فکری و مقررات بین‌المللی در تاریخ بوده است. از منظر اقتصاد جهانی، چشمگیرترین واقعه اجرای توافق‌نامه تریپس در ۱۹۹۵ به‌عنوان یک پیمان بنیادین و سنگ بنای حمایت جهانی حقوق مالکیت فکری می‌باشد. این توافق‌نامه تأثیر بسزایی در همگرایی بین‌المللی داشته و به‌نحو اساسی به دنبال یکپارچه ساختن بین‌المللی و تدریجی اجرای حقوق مالکیت فکری است (شیخی، ۱۳۹۴، صص ۴۴-۴۳).

اما علی‌رغم اینکه قواعد ماهوی مالکیت فکری در حال حاضر تا حد زیادی در کشورهای عضو معاهدات و موافقت‌نامه‌های پیش‌گفته، هماهنگ و یکسان شده، قوانین شکلی حاکم بر موضوعاتی از جمله فرایند دادرسی و مراجع رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری همچنان از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، چراکه دست اعضا در این زمینه‌ها باز گذاشته شده است. به‌عنوان مثال، ماده ۲۵ کنوانسیون پاریس و ماده ۳۶ کنوانسیون برن به‌طور کلی به لزوم اتخاذ اقدامات اجرایی مقتضی اشاره کرده و کشورهای عضو را موظف نموده‌اند که اقدامات لازم را برای تضمین اجرای معاهده مربوطه انجام دهند. با این حال، هیچ ماده‌ای در کنوانسیون واپو^۷ یا در بیست و سه معاهده دیگر تحت مدیریت آن به‌طور صریح یا ضمنی به هیچ الزامی مبنی بر ایجاد نظام‌های قضایی یا دادگاه‌های ویژه برای حمایت از حقوق مالکیت فکری اشاره نکرده است (Pinyosinwat, 2010, p. 4). در ماده ۴۱ موافقت‌نامه تریپس نیز به لزوم وجود رویه‌هایی برای اجرای حقوق مالکیت فکری اشاره شده و شرایطی برای این رویه‌ها ذکر گردیده است، اما بر اساس بند ۵ همین ماده بیان شده که «این بخش هیچ الزامی برای ایجاد یک نظام قضایی جداگانه برای اجرای حقوق مالکیت فکری به‌وجود نمی‌آورد و همچنین بر صلاحیت اعضا جهت اجرای قوانین به‌طور عام، اثر ندارد. هیچ چیزی در این بخش تعهدی برای تخصیص و توزیع منابع میان اجرای حقوق مالکیت فکری و اجرای قوانین به‌طور عام ایجاد نمی‌کند.»

این در حالی است که تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته، حتی سال‌ها پیش از تصویب موافقت‌نامه تریپس، دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری را ایجاد کرده بودند که این روند طی دهه‌های اخیر به کشورهای در حال توسعه نیز سرایت کرده است. شایان ذکر است که حقوق مالکیت فکری با تاریخ و فرهنگ کشورهای توسعه‌یافته ارتباط تنگاتنگ و دیرینه‌ای دارد و نظام‌های قضایی اجرای این حقوق نیز در همین بستر، طراحی و انسجام یافته است. درحالی‌که اکثر کشورهای در حال توسعه قوانین جدید مالکیت فکری را در مدت‌زمان بسیار کوتاهی وضع کرده‌اند (Pinyosinwat, 2010, p. 21). بنابراین ضرورت ایجاد دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری به منظور هماهنگی با تحولات و رویه‌های بین‌المللی، غالباً درباره کشورهای در حال توسعه‌ای قابل بحث و بررسی است که یا به دنبال اتخاذ چنین رویکردی هستند و یا قصد اصلاح شیوه فعلی را دارند. اینکه چه دلایلی موجب گسترش دادگاه‌های مالکیت فکری در سطح جهان شده است را باید در سایر دلایل مورد بررسی در این تحقیق جست‌وجو کرد، اما فارغ از آن، در حال حاضر یکی از دلایل ایجاد دادگاه‌های مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه می‌تواند هماهنگی با این تحولات و رویه‌ها باشد، چراکه ماهیت انحصاری و انتزاعی به مالکیت فکری دامنه نامحدودی می‌بخشد و حقوق مالکیت فکری را می‌توان در سراسر جهان و نه فقط در قلمرو هر کشوری، مطالبه و نقض کرد و به همین دلیل، هماهنگ کردن قوانین مالکیت فکری و رویه‌های مشابه شرط حیاتی برای یک طرح کارآمد حمایت از حقوق مالکیت فکری است. در نتیجه، ضروری است هر کشور، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، استانداردهای بین‌المللی و الزامات هماهنگی را برای قانونگذاری و رویه‌های خود در نظر بگیرد. علاوه بر این، کشورهای در حال توسعه باید نظام

⁷ Convention establishing the World Intellectual Property Organization 1967

قضایی ویژه اکثر کشورهای توسعه‌یافته را قبل از ایجاد نظام قضایی جدید خود مدنظر قرار دهند. گسترش هماهنگی می‌تواند به ترکیب رویه‌ها و استانداردهای مختلف در یک رویکرد مشترک کمک کند که می‌تواند حمایت مؤثر و کارآمدتری را ارائه دهد (Pinyosinwat, 2010: x-xi). رشد و توسعه مراجع قضایی مالکیت فکری در سطح جهان می‌تواند موجب ایجاد رویه‌های متحدالشکل و تسریع در جریان هماهنگ‌سازی فرایندهای حل و فصل دعاوی حقوق مالکیت فکری شود (رئیس، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰) و چه بسا در آینده‌ای نه چندان دور، این هماهنگی منجر به زمینه همکاری میان دولت‌ها برای تهیه سندی بین‌المللی برای وضع استانداردهایی در قواعد مربوط به شیوه اجرای حقوق مالکیت فکری گردد.

۱-۲. نقش حقوق مالکیت فکری در ارتقای تجارت بین‌المللی

تجارت جهانی محصولات تحت حمایت مالکیت فکری طی دو دهه اخیر بسیار افزایش یافته، Curtis (2012, pp.4-13) و زمانی که کالاهای دانش‌بنیان از مرزهای ملی عبور می‌کنند، حقوق مالکیت فکری بر جریان‌های تجاری بین‌المللی تأثیرگذار است (Fink, and Maskus, 2005: 1-19). بر اساس مطالعات اداره ثبت اختراعات اروپا^۸ و اداره مالکیت فکری اتحادیه اروپا^۹، سهم صنایع مبتنی بر مالکیت فکری از اقتصاد اتحادیه اروپا در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، سی و نه درصد از تولید ناخالص داخلی و در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، تقریباً چهل و پنج درصد از تولید ناخالص داخلی به ارزش ۶/۶ تریلیون یورو بوده است. علاوه بر این، بخش اعظم تجارت اتحادیه اروپا در صنایع مبتنی بر مالکیت فکری است؛ ۸۹ درصد از واردات و ۹۶ درصد از صادرات کالاهای اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ را محصولات مبتنی بر مالکیت فکری تشکیل می‌دهند (EPO/EUIPO, 2019, pp.3-11). به‌طور مشابه در ایالات متحده آمریکا نیز سهم ۳۴/۸ درصدی صنایع مبتنی بر مالکیت فکری از تولید ناخالص داخلی (۵/۰۶ تریلیون دلار) در سال ۲۰۱۰ به ۳۸/۲ درصد (۶/۶ تریلیون دلار) در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته و مجموع صادرات کالاهای مبتنی بر مالکیت فکری از ۷۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۸۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسیده است (Antonipillai, and Lee, 2016, pp. ii-iii). بنابراین اکنون مالکیت فکری نیز یکی از اولویت‌های سیاست تجارت بین‌المللی دولت‌هاست و به یکی از اجزای مهم تجارت بین‌الملل تبدیل شده است.

پس از تصویب موافقت‌نامه تریپس، سازمان تجارت جهانی مسئولیت اداره این معاهده را بر عهده دارد. تریپس مهم‌ترین توافق بین‌المللی فعلی در زمینه مالکیت فکری است و تصویب آن در چهارچوب سازمان تجارت جهانی، نشان‌دهنده اهمیت مالکیت فکری در تجارت بین‌الملل است. بر این اساس، برخورداری از یک نظام قضایی ویژه مالکیت فکری می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر این باشد که یک عضو سازمان تجارت جهانی در انجام تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت فکری داخلی و خارجی بسیار جدی است. این جدیت در حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری می‌تواند موجب تسهیل ورود فناوری به کشورها شود (Mrad, 2017, pp. 33-57)، زیرا شرکت‌های خارجی صاحب فناوری، ترسی از به یغما رفتن حقوق خود نخواهند داشت. از سوی دیگر چنین رویکردی موجب بهبود شرایط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود و در نهایت شرایط بهتری برای تجارت کالاهای با فناوری بالا فراهم می‌شود (شاه‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۶، صص ۹۱-۶۵). مطالعات مختلف در کشورهای در حال توسعه نشان داده که ضعف سیستم مالکیت فکری دلیل اصلی برخی انحرافات در جریان سرمایه‌های خارجی است. بنابراین تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری از طریق ایجاد دادگاه‌های

^۸ European Patent Office (EPO)

^۹ European Union Intellectual Property Office (EUIPO)

ویژه، به‌عنوان بخشی از عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌آید، زیرا با وجود چنین حمایتی، سرمایه‌گذاران در کشور میزبان از نظر امنیت اقتصادی و سیاسی تضمین می‌شوند. همچنین حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری، موجب تداوم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان می‌شود (مهدوی و برخوردار، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۱۲). این امر علاوه بر اینکه ممکن است تأثیر مثبتی بر تجارت خارجی داشته باشد، در وهله اول می‌تواند کارکردی نمونه‌ای داشته و سایر اعضای تجارت جهانی را ترغیب یا وادار به پیگیری دعاوی و ایجاد دادگاه مالکیت فکری در نظام قضایی خود کند. بدین ترتیب ممکن است حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری افزایش یابد، منجر به ثبات بیشتر تجارت مالکیت فکری شود و تجارت بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری را تشویق کند. از طرف دیگر، در صورتی که سایر اعضا نتوانند یا نخواهند یک دادگستری مختص مالکیت فکری در نظام داخلی خود ایجاد کنند، یک عضو دارای مراجع قضایی مالکیت فکری ممکن است همچنان موقعیت چانه‌زنی قوی‌تری در دوره‌های مذاکرات داشته باشد. ممکن است برای چنین عضوی مذاکره در دیگر زمینه‌های مرتبط با تجارت راحت‌تر باشد و مثلاً در زمینه سرمایه‌گذاری یا تعرفه‌ها امتیازاتی را به دست آورد (José Schmidt-Kessen, 2012, p.38).

۱-۳-۱. تأثیر دادگاه‌های مالکیت فکری بر رشد و توسعه اقتصادی

با فراگیر شدن رویکرد توسعه دانش‌بنیان در کشورهای مختلف و محوریت یافتن سرمایه‌های فکری به‌عنوان عوامل مزیت و ثروت‌آفرینی، به تدریج مفهوم مالکیت فکری از موضوعی صرفاً حقوقی متحول شده و تبدیل به یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه کشورها گردیده است. شناخت مبانی حقوقی و اقتصادی نظام مالکیت فکری پیش‌شرطی برای درک اهمیت و نقش فزاینده آن در راهبردهای ملی برای افزایش رقابت‌پذیری و تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی است (نژادنوری و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۷-۸). در مطالعات تجربی مختلفی که ارتباط میان حمایت از حقوق مالکیت فکری و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته، نشان داده شده که تأثیر حقوق مالکیت فکری بر توسعه اقتصادی، موضوعی اثبات شده و حائز اهمیت است (حاجی‌محمد و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۶۲۹-۶۱۱). نتایج مطالعه‌ای که به بررسی ارتباط بین حقوق مالکیت فکری و رشد اقتصادی پرداخته، نشان می‌دهد که حمایت از حقوق مالکیت فکری اثر مثبت و معناداری بر روی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه دارد و در نتیجه افزایش نوآوری، دارای اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی است (Kanwar, and Evenson, 2003, pp.235-264). همچنین در پژوهش دیگری، ابعاد تأثیر مالکیت فکری در ارتقای رشد اقتصادی ۳۵ کشور در دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، افزایش شاخص تأمین حقوق مالکیت فکری منجر به افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، افزایش تعداد محققان و همچنین افزایش مخارج تحقیق و توسعه می‌گردد. بنابراین بر اساس یافته‌های این پژوهش، میان حمایت از حقوق مالکیت فکری و رشد اقتصادی رابطه مثبتی وجود دارد (خداپرست مشهدی و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۱۲۳-۱۰۱).

اما پرسش اینجا است که حمایت از حقوق مالکیت فکری و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی بر اساس چه مؤلفه‌هایی اندازه‌گیری می‌شود و مراجع قضایی مالکیت فکری چه نسبتی با این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها دارند. همان‌طور که در مطالعات پیش‌گفته مورد اشاره قرار گرفته است، در سال‌های اخیر شاخص حقوق مالکیت فکری در کنار سایر شاخص‌های حقوق مالکیت، در قالب گزارش شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی^{۱۰} برای کشورهای مختلف جهان محاسبه می‌شود. در این

¹⁰. International Property Rights Index (IPRI)

گزارش برای ارزیابی حقوق مالکیت بین‌المللی از سه شاخص اصلی «محیط حقوقی و سیاسی»، «حقوق مالکیت فیزیکی» و «حقوق مالکیت فکری» استفاده می‌شود. هر کدام از این شاخص‌ها به چندین مؤلفه تقسیم می‌شود که شاخص حقوق مالکیت فکری از چهار مؤلفه حمایت از حقوق مالکیت فکری، حمایت از حق اختراع، حمایت از کپی‌رایت و حمایت از علامت تجاری تشکیل شده و مراجع قضایی رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری به‌عنوان مکانیسم‌های اجرای این حقوق، ذیل مؤلفه اول مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (آقایی و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۱۸۸-۱۵۷). گزارش شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی در سال ۲۰۲۳ نشان‌دهنده میزان این شاخص در ۱۲۵ کشور جهان است. بر اساس این گزارش، ایران در جایگاه ۱۱۳ قرار گرفته و در منطقه نیز از میان ۱۵ کشور در رتبه ۱۳ قرار دارد. همچنین از نظر شاخص حقوق مالکیت فکری، ایران در رتبه‌بندی بین‌المللی در جایگاه ۱۱۱ و در منطقه در جایگاه ۱۳ قرار دارد.

بنابراین با توجه به اینکه حمایت از مالکیت فکری به‌صورت کلی نقش مثبت و مؤثری بر رشد و توسعه اقتصادی و پیشرفت نوآوری و فناوری کشورها دارد و مراجع قضایی نیز بخشی از چهارچوب حقوقی و قانونی نظام مالکیت فکری است، در نتیجه بهبود اجرای مؤثر از طریق رسیدگی ویژه به اختلافات مالکیت فکری، منجر به تقویت نظام مالکیت فکری می‌شود. همان‌طور که توسط کمیسیون اروپا تأکید شده، «برای تضمین تحریک سرمایه‌گذاری در نوآوری و جلوگیری از نقض حقوق مالکیت فکری در مقیاس تجاری که منجر به صدمات اقتصادی می‌شود، یک زیرساخت کارآمد و مؤثر اجرای مالکیت فکری ضروری است». بدون شک اجرای مناسب همچنین برای تضمین بازارهای رقابتی و احترام به حقوق مصرف‌کنندگان حائز اهمیت است. یکی از بازیگرانی که نقش مهمی در اجرا بازی می‌کند دستگاه قضایی است. اجرای قانون توسط دستگاه قضایی حمایت ماهوی را به واقعیت تبدیل می‌کند و به همان اندازه، قوانین مالکیت فکری را با هنجارهایی پیوند می‌دهد که در چهارچوب حقوقی گسترده‌تری که به آن تعلق دارند ادغام می‌شوند (Seuba and others, 2016, p. 3).

۲-۱. ماهیت پیچیده فنی و حقوقی مالکیت فکری

در ادامه دلایل و ضرورت‌های تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری، دلایل ناظر بر دو بُعد دیگر از ماهیت خاص مالکیت فکری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بخشی از استدلال‌های مطرح شده در این خصوص، بر جنبه‌های فنی و پیچیدگی‌های علمی اختلافات مالکیت فکری تأکید کرده‌اند و بنابراین قضات و دادگاه‌های عمومی را فاقد صلاحیت رسیدگی به این دسته از اختلافات می‌دانند. بخشی دیگر نیز ماهیت حقوقی پیچیده و مبهم مالکیت فکری، ناهمگونی هنجاری و همچنین تنوع مصادیق و الزامات حقوقی ناظر بر هر یک را از جمله دلایل دیگر تخصص‌گرایی قضایی در این حوزه می‌دانند.

۱-۲-۱. ضرورت تخصص‌گرایی قضایی در دعاوی مالکیت فکری پیچیده

اطلاعات فنی و علمی در دعاوی معاصر اهمیت حیاتی یافته است. اهمیت روزافزون داده‌های فنی و علمی در دعاوی مالکیت فکری معاصر کار را برای قضات دشوارتر می‌کند. در اختلافات مالکیت فکری، قضات با پرونده‌هایی روبه‌رو می‌شوند که شامل مسائل واقعی پیچیده و فناوری‌های بسیار پیشرفته در زمینه‌های فنی گوناگونی مانند شیمی، مهندسی برق، مکانیک و نرم‌افزار هستند. افراد عادی - از جمله اکثریت - قضات ممکن است برای درک کامل بسیاری از این پرونده‌ها و مقابله با پیچیدگی‌های فنی آنها با دشواری‌هایی مواجه شوند. تعجب‌آور نیست که قضات بی‌تجربه در زمینه ثبت اختراع،

زمان زیادی را صرف می‌کنند تا اصطلاحات فنی، موضوع یا اختراع مورد دعوا و ارجاعات به فن پیشین را درک کنند. تصمیم‌گیری در مورد اعتبار اختراع، اغلب مستلزم درک خوبی از جزئیات فنی نوآوری است. همچنین در صورت تأیید اعتبار اختراع، تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا نقض رخ داده یا خیر، ممکن است همچنان دشوار باشد، زیرا کارشناسان و گزارش‌های تخصصی اغلب نظرات مخالفی را مطرح می‌کنند (Seuba, 2018, p.3).

در یک پرونده نقض حق اختراع، اولین کاری که قاضی باید انجام دهد تفسیر عبارات ادعاهای اختراع است تا تعیین کند کدام نوع محصولات تحت پوشش حق اختراع ثبت شده قرار دارند. مالک اختراع به‌طور منطقی تلاش می‌کند با تفسیر حداکثری ادعا محصولات بیشتری تحت شمول حمایت قرار گیرد. متهم به نقض نیز معمولاً ابتدا ادعا می‌کند که حق اختراع نامعتبر است و در غیر این صورت، تفسیر بسیار محدودی از ادعا را مطرح می‌کند. قاضی موظف است ادعای اختراع را از دیدگاه یک «فرد ماهر در فن مربوطه» تفسیر کند. به عبارت دیگر، از منظر یک دانشمند در حوزه اختراع مورد نظر در زمان صدور گواهی اختراع. به‌عنوان مثال، فرض کنید یک اختراع، هورمون‌های مصنوعی را که تولید سلول‌های قرمز خون (اریتروپوئیتین) را تحریک می‌کند پوشش دهد. متعاقباً شرکت دیگری همان هورمون‌ها را بر اساس یک فرایند متفاوت تولید می‌کند. چگونه یک قاضی می‌تواند با اطمینان تعیین کند که اختراع اولیه، بر این اساس که یک زیست‌شیمی‌دان در لحظه صدور گواهی اختراع قادر به پیش‌بینی فرایند تولید متفاوت بعدی هورمون‌ها بوده و قصد داشته است آن را نیز تحت پوشش اختراع خود قرار دهد، شامل فعالیت بعدی می‌شود؟ این دقیقاً همان چیزی است که قانون از او می‌خواهد.

از سوی دیگر، به مرور زمان پیچیدگی مسائل و جوانب علمی و فنی در پرونده‌های ثبت اختراع، این نوع دعاوی را به کانون مختص گروهی منتخب از متخصصان تبدیل کرده است. در واقع بسیاری از افراد مشغول در حوزه حقوق اختراعات تخصص بسیاری دارند که عبارتند از ارزیابان ثبت اختراع، وکلای ثبت اختراع و افرادی که در دادرسی اختراعات دخیل هستند؛ یعنی قضات ثبت اختراع و کارشناسان فنی. بنابراین به نظر می‌رسد که دادگاه ایده‌آل برای رسیدگی به پرونده‌های مالکیت فکری باید دانشی فراتر از قوانین و دکترین حقوق مالکیت فکری داشته باشد تا قضات را قادر سازد تصمیمات خود را بر اساس دانش خود از ماهیت حق مالکیت فکری و دلایل منطقی برای حمایت از این حق و همچنین سیاست‌های زیربنایی قانون‌گذاری مالکیت فکری استوار کنند. همچنین به‌منظور تعیین مطمئن دامنه حمایت از یک حق مالکیت فکری و متعاقباً دستیابی به نتایج عادلانه در پرونده‌های مالکیت فکری، قضات باید استدلال‌های وکلای متخصص که اغلب مبتنی بر واژگان فنی و مبهم است و همچنین پیشینه واقعی هر پرونده را به‌درستی و با اطمینان درک کنند (José Schmidt-Kessen, 2012, p.31). بنابراین تشکیل مراجع ویژه گامی قابل پیش‌بینی در همین راستاست. راه‌اندازی دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری آشکارترین راهبرد برای انطباق و هماهنگی با خصوصیات دعاوی ثبت اختراع، از جمله پیچیدگی فنی است (Seuba, 2018, p.10).

۲-۲-۱. الزامات حقوقی گسترده، پیچیده و مبهم مالکیت فکری

توسعه روزافزون حقوق مالکیت فکری، رشد و پیشرفت فناوری و گسترش تجارت محصولات دارای مالکیت فکری طی سال‌های اخیر، ماهیت حقوق مالکیت فکری را دستخوش تغییر و تحولات بسیاری ساخته است. علاوه بر این، تداخل و تلاقی حقوق مالکیت فکری با سایر زمینه‌های حقوقی از جمله حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، حقوق تجارت، حقوق قراردادها و حقوق رقابت منجر به تنوع اختلافات مالکیت فکری شده است. بخشی از تغییر و تحولات پدید آمده در حقوق مالکیت

فکری، خصوصیات ویژه‌ای به ماهیت آن افزوده است؛ از جمله موجب گسترش کمی مصادیق تحت شمول این زمینه از حقوق گردیده، گستره جغرافیایی مطالبه و نقض این حقوق را توسعه داده، هنجارها و الزامات مربوط به حمایت را متنوع ساخته و همچنین بر ابهامات حقوق مالکیت فکری افزوده است.

۱-۲-۱. گستردگی موضوعی و جغرافیایی حقوق مالکیت فکری

مالکیت فکری یک عنوان عام و فراگیر است که دربردارنده موضوعات گوناگون و نظام‌های حقوقی بسیار متنوع است. امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که در سطح ملی از حقوق مالکیت فکری حمایت به عمل نیاورده باشد. هر کشوری با توجه به ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و میزان توسعه‌یافتگی، نظام حقوقی ویژه خود را دارد که از جهات بسیاری با سایر نظام‌های حقوقی متفاوت است (رئیس، ۱۳۹۲، ص ۷). با تصویب معاهدات بین‌المللی همچون کنوانسیون پاریس، معاهده برن و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری مالکیت فکری (تریپس) نیز حمایت از ابداعات فکری پهنه جهانی پیدا کرده است. حتی با تنظیم معاهدات منطقه‌ای همچون کنوانسیون ثبت اختراعات اروپایی^{۱۱} سطح حمایت از مالکیت فکری، گستره منطقه‌ای پیدا کرده است. بنابراین حمایت از مالکیت فکری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شمول و گستره جغرافیایی وسیع آن حکایت دارد. علاوه بر قلمروی جغرافیایی وسیع و بین‌المللی، شمول مالکیت فکری بر آثار ادبی، هنری و صنعتی گواه بر قلمروی موضوعی وسیع مالکیت فکری است؛ به طوری که شاید امروزه کمتر فعالیت، محصول و اثری را بتوان یافت که با مالکیت فکری ارتباط نداشته باشد. در شمول مالکیت فکری بر بسیاری از مصادیق تردیدی وجود ندارد، ولی تلاش‌ها برای داخل کردن موضوعات جدید در نظام مالکیت فکری نظیر پایگاه‌های داده، دانش سنتی، جلوه‌های فولکلور، داروهای با کاربرد جدید، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، روش‌های تجارت، ابداعات مرتبط با موجودات زنده و... حکایت از گرایش به توسعه کمی مصادیق مالکیت فکری دارد (نژادنوری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۸).

۱-۲-۲. ناهمگونی‌های هنجاری و ابهامات قانونی در مالکیت فکری

هریک از موضوعات تحت شمول حقوق مالکیت فکری دربردارنده شبکه پیچیده‌ای از مفاهیم، قواعد، آیین‌ها و نمادهای حقوقی در سطح نظام‌های ملی و بین‌المللی است، به گونه‌ای که هر موضوع به دنبال ضابطه‌مند کردن و حمایت از یک نوع خاصی از مالکیت فکری بوده و با شیوه‌های خاص و متمایز در تحقق اهداف خود تلاش می‌کند. در واقع هر یک از این موضوعات، بسته‌حقی‌هایی هستند حاوی خواسته‌ها، عقاید، قواعد و اصول زیربنایی راجع به یک نوع خاصی از مالکیت فکری. بنابراین هرچند که دسته گسترده و متنوعی از موضوعات در قرار گرفتن ذیل عنوان کلی مالکیت فکری با یکدیگر مشترک هستند، اما با نگاهی به قواعد و ضوابط مربوط به هر یک از این موضوعات، به سرعت متوجه خواهیم شد که تمایزهای زیادی نیز بین آنها وجود دارد (رئیس، ۱۳۹۲، صص ۹-۱۰).

یک ویژگی مهم دیگر حقوق مالکیت فکری این است که به‌سختی قواعد اساسی دقیق و روشنی برای تعیین دامنه حمایت از حقوق مالکیت فکری ارائه می‌کند و ارزیابی دلایل و حقایق پرونده‌های مالکیت فکری غالباً بسیار پیچیده است. عدم قطعیت درباره مرزهای مالکیت فکری به معنای عدم اطمینان در تعیین این است که آیا نقض اتفاق افتاده یا خیر. به‌عنوان مثال، برای تعیین اینکه آیا یک حق اختراع به‌طور معتبر صادر شده است یا خیر، دادگاه باید تعیین کند که آیا یک اختراع واقعاً نمایانگر یک «گام ابتکاری» است یا «از نظر یک فرد ماهر در فن مربوطه، غیربدیهی است» یا خیر. این اصطلاحات مبهم

^{۱۱} European Patent Convention 1973

امکان تفسیرهای مختلفی را فراهم می‌سازد. حتی اگر دادگاه اختراع را معتبر تشخیص دهد، ممکن است هنوز در مورد دامنه دقیق حمایت از اختراع بر اساس ادعاهای اظهارنامه ابهام وجود داشته باشد. در پرونده‌های مرتبط با کپی‌رایت نیز قاضی موظف است تصمیم خود را بر مبنای قانونی اتخاذ کند که اطلاعات کمی ارائه می‌کند. در یک پرونده کپی‌رایت، قاضی معمولاً باید تصمیم بگیرد که آیا یک بیان یا اثر هنری «اصیل» است تا بتواند از حمایت کپی‌رایت برخوردار شود یا خیر. تعیین «اصالت» یک اثر ادبی یا هنری، به‌ویژه در آثار اشتقاقی، معمولاً مستلزم انجام نوعی ارزیابی غالباً پنهان درباره ارزش هنری چیزی است که برای آن ادعای کپی‌رایت شده است. آیا یک نقاشی که دقیقاً یک صحنه از فیلم «جادوگر شهر اوز» را کپی می‌کند، می‌تواند از کپی‌رایت بهره‌مند شود؟ آیا هنوز یک اثر اصیل است؟ استاندارد موسع «اصالت» پاسخ واضحی به این سؤال نمی‌دهد. اگر هر دادگاهی که با چنین پرونده‌ای مواجه می‌شود، یک زمینه نظری متفاوت را برای اتخاذ تصمیم خود انتخاب کند، استاندارد «اصالت» در حقوق کپی‌رایت، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی باقی می‌ماند که به ضرر تولیدکنندگان آثار هنری است.

آخرین نمونه از اصطلاحات مبهم حقوق مالکیت فکری که یک قاضی را در حوزه حقوق علائم تجاری به چالش می‌کشد، شرط «احتمال گمراهی مصرف‌کننده» برای نقض علامت تجاری است. یک علامت تجاری در صورتی نقض یک علامت قبلی است که «مشابه» علامت قبلی برای کالاها و خدمات «مشابه» باشد و احتمالاً منجر به «گمراهی مصرف‌کننده» شود. در قانون هیچ مقرراتی در مورد اینکه بر چه اساسی شباهت باید تعیین شود، ارائه نشده است. این ابهامات رایج در حقوق مالکیت فکری، علاوه بر ماهیت سرزمینی این حقوق در دنیایی با بازار جهانی، چالش‌های بیشتری را برای اجرای حقوق مالکیت فکری ایجاد می‌کند (José Schmidt-Kessen, 2012, pp.25-32).

۱-۲-۳. تنوع اختلافات مربوط به مالکیت فکری

به‌طور کلی تنوع دعاوی مربوط به مالکیت فکری ممکن است ناشی از تفاوت بین انواع حقوق مالکیت فکری، انواع رویه‌های حقوقی موجود و تلاقی با سایر حوزه‌های حقوقی باشد. دعاوی مالکیت فکری می‌توانند از مسیر حقوقی، کیفری، اقدامات گمرکی و مرزی و در موارد مرتبط با اعطای حقوق مالکیت صنعتی (از جمله اختراعات، علائم تجاری یا طرح‌های صنعتی) از مسیر اداری مطرح شوند. علاوه بر این، دعاوی مالکیت فکری اغلب در روابط معاملاتی پیش می‌آید که می‌تواند سؤالات حقوقی پیچیده‌ای را در تلاقی با حوزه‌های مختلف حقوقی، از جمله حقوق رقابت، حقوق قراردادها و حتی حقوق اساسی ایجاد کند.

حقوق مالکیت فکری چون یک انحصار در بازار را به مالک حق می‌دهد، به نظر می‌رسد که به‌طور خودکار با قوانین حقوق رقابت که هدف از آن حفظ رقابت آزاد میان رقبا در یک بازار است، در تعارض قرار دارد. اگرچه در عمل، این گونه تعارضات به ندرت پدید می‌آیند. محدودیت‌های زمانی و دامنه حمایت از حقوق مالکیت فکری تضمین می‌کند که وجود حقوق مالکیت فکری رقابت را به اندازه غیرقابل قبولی محدود نمی‌کند. با وجود این، مسائل حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت ممکن است همزمان پیش آید و موضوع اختلاف باشد. همچنین مسائل حقوق مالکیت فکری و حقوق قراردادها به‌عنوان مسائلی که پیرامون قراردادهای لیسانس ایجاد می‌گردند، به‌طور متداول بیشتر می‌شوند. حق کپی‌برداری، تکثیر یا بهره‌برداری از یک اثر تحت حمایت، غالباً از طریق قرارداد به طرف دیگر انتقال می‌یابد. زمانی که قرارداد لیسانس موضوع دعوا باشد، ممکن است مسائل حقوق مالکیت فکری مرتبط با حق مالکیت موضوع قرارداد، مانند اعتبار یا استفاده منصفانه

مطرح شود. گاهی اوقات نیز حقوق مالکیت فکری ممکن است با حقوق اساسی در تعارض باشد. اکثر حقوق مالکیت فکری از مستثنیات نظم عمومی هستند که مانع به وجود آمدن یک حق مالکیت فکری معتبر می‌شود. به عنوان مثال، یک اختراع زیست‌فناوری که با استفاده از جنین انسان ایجاد شود، قابلیت دریافت گواهی اختراع را ندارد. در برخی از حوزه‌های قضایی، این اختراعات به دلیل تعارض با اخلاق عمومی و تعدی به کرامت انسانی قابل ثبت نیستند (José Schmidt-Kessen, 2012, pp.23-27).

۲. دلایل ناظر بر پیامدهای تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری

بر اساس مطالعه صورت گرفته توسط اتاق تجاری بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ که در آن بیست و چهار کشور از اروپا، آسیا، آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نوزده کشور دارای مراجع قضایی ویژه مالکیت فکری هستند. این کشورها تمایل به ایجاد تخصص مالکیت فکری در قضات متخصص، یکسان‌سازی رویه قضایی در پرونده‌های مالکیت فکری، بهبود انسجام و یکپارچگی آرای قضایی و قابل پیش‌بینی بودن نتایج دعوی و در نهایت، افزایش کارآمدی اجرای حقوق مالکیت فکری را به عنوان انگیزه‌های اولیه تأسیس حوزه‌های قضایی ویژه مالکیت فکری یا محدود کردن تعداد دادگاه‌هایی که ممکن است به اختلافات مربوط به مالکیت فکری رسیدگی کنند، اعلام کردند. همچنین بسیاری معتقدند که ایجاد مراجع قضایی ویژه مالکیت فکری پیش‌نیازی برای بهبود فضای کلی احترام، حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری در کشورهای مربوطه است (An ICC report on specialised IP jurisdictions worldwide, 2016, p.9).

۲-۱. تسریع دادرسی در دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری

به حداقل رساندن مدت فرایند رسیدگی در عین انجام یک دادرسی دقیق و اتخاذ تصمیم کارآمد که از اهداف مهم در تمام مکانیزم‌های حل و فصل در سطح داخلی و بین‌المللی است، از طریق محاکم ویژه بهتر محقق می‌شود. دادگاه‌های ویژه از طرق مختلفی منجر به کاهش مدت زمان رسیدگی می‌شوند. نخست، آشنایی قضات با الگوهای رسیدگی و محدود و تکراری بودن موضوعات و همچنین تسلط بر مباحث فنی و حقوقی پیچیده باعث افزایش سرعت عمل آنها می‌گردد. بنابراین یک مزیت آشکار دادگاه ویژه نسبت به دادگاه عمومی، توانایی قضات برای درک سریع‌تر و تجزیه و تحلیل دقیق‌تر مسائل پیچیده حقوقی و حقایق است. دوم، به دلیل برخورداری قضات از تخصص، احتمال بروز خطا در تصمیم‌گیری نیز بسیار کاهش می‌یابد. این امر خطر دعاوی بعدی را به حداقل می‌رساند، زیرا به دلیل تضمین صحت نتایج حاصل از دادرسی ویژه، انگیزه‌ای برای طرح دعاوی بعدی وجود نخواهد داشت و در نتیجه، فرایند دادرسی کوتاه‌تر می‌شود. علاوه بر این، به موجب واگذاری پرونده‌های مالکیت فکری به دادگاه‌های ویژه، دادگاه‌های عمومی از این پرونده‌های پیچیده و وقت‌گیر خلاص می‌شوند و حجم پرونده‌های آنها از نظر کمی کاهش و از نظر کیفی افزایش خواهد یافت (José Schmidt-Kessen, 2012, p.17).

همچنین با افزایش توانایی قضایی در حل و فصل مؤثر و کارآمد پرونده‌های مالکیت فکری، اعتماد به دادرسی مالکیت فکری نیز افزایش خواهد یافت. تحقق این اهداف در موضوعات تجاری که نسبت به اطمینان و سرعت حساس هستند، بسیار حیاتی و مهم می‌باشد (رئیس، ۱۳۸۶، ص ۹۹). بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۲۰ درباره محیط کسب و کار کشور ما، سرعت رسیدگی قضایی به دعاوی تجاری را در ایران نامناسب ارزیابی کرد و اعلام داشت به طور متوسط برای هر دعوا یک سال و چهار ماه (در مجموع ۱۶ ماه) زمان نیاز است. البته این مدت ناظر بر فرضی است که روند پرونده به طور طبیعی طی

شود، و گرنه در صورت بروز مواردی چون شناسایی نشدن نشانی مخاطب ابلاغ، اعتراض به نظریه کارشناسی و ارجاع موضوع به هیئت‌های سه یا پنج نفره، اقامه دعاوی طاری مثل دعوی تقابل یا دعوی اعتراض ثالث یا ورود ثالث یا جلب ثالث، نقض رأی در دیوان عالی کشور و ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض بدوی و... این زمان بسیار بیشتر خواهد شد (بهادری جهرمی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۴).

۲-۲. نقش مراجع ویژه در کاهش هزینه‌های رسیدگی و معاملاتی

یک مزیت دیگر ناشی از وجود مراجع ویژه این است که احتمالاً طرفین اختلاف نیازی به صرف هزینه‌های سنگین برای وکلا و کارشناسان متخصص نخواهند داشت، زیرا قضات متخصص می‌توانند با دانش موضوعی خود از این هزینه‌های اضافی جلوگیری کنند. توضیح اینکه وکلا هنگام حضور در برابر یک قاضی عمومی، به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده‌ای که شامل موضوعات یا مسائل حقوقی‌ای هستند که قاضی عمومی ممکن است به اندازه کافی با آنها آشنایی نداشته باشد، معمولاً جزئیات بیشتری از تمامی اطلاعات مرتبط و مفید را در پرونده وارد می‌کنند. آنها این کار را هم برای آموزش به قاضی انجام می‌دهند و هم برای زمینه‌چینی جهت تجدیدنظرخواهی، در صورتی که قاضی در تصمیم خود، ماهیت دعوا و عناصر حقوقی را که حل و فصل پرونده به آنها بستگی دارد، لحاظ نکند. وکلا توضیحات گسترده‌ای را ارائه می‌دهند و از طریق گزارش‌ها و پیوست‌های متعدد، چهارچوب حقوقی جامعی ایجاد می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که قاضی به اندازه کافی به اطلاعاتی که به نفع آنها است دسترسی دارد. در مقابل، قضات دادگاه‌های ویژه معمولاً نیازی به آموزش توسط وکلای دادگستری ندارند و با توجه به تخصص خود، توانایی بیشتری در تحدید چهارچوب حقوقی به مسائل حیاتی‌ای دارند که حل و فصل پرونده به آنها بستگی دارد و در نتیجه هزینه‌های دعوا برای طرفین ارزان‌تر خواهد شد و مدت زمان رسیدگی نیز به میزان متناسبی کاهش می‌یابد (Zimmer, 2009, p.1). کاهش مدت رسیدگی علاوه بر صرفه‌جویی در وقت، موجب کاهش هزینه‌های محاکم و کارمندان اداری آنها نیز می‌شود.

از دیگر سو، طولانی بودن رسیدگی قضایی ممکن است هزینه معاملاتی را افزایش دهد و حتی قرارداد را گران‌تر کند. نمونه عملی این موضوع در سال ۱۳۹۴ روی داد؛ زمانی که یک شرکت چینی که صاحب دانش فنی در زمینه دستگاه‌های ساخت عینک طبی بود، در نتیجه مذاکره با یک شرکت ایرانی مستقر در اصفهان، تصمیم گرفت با انعقاد قرارداد انتقال فناوری، دانش فنی دستگاه‌ها را به تدریج به شرکت ایرانی منتقل کند. در زمان عقد قرارداد، شرکت چینی مقوله نقض احتمالی حق اختراع مربوط به آن دانش فنی را مطرح کرد و پرسید در صورت کپی احتمالی این دانش در ایران، آیا مراجع تخصصی برای رسیدگی قضایی به این دست دعاوی وجود دارد یا خیر؟ وکیل ایرانی شرکت چینی پاسخ داد که بر اساس ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ایران، یک شعبه تخصصی از دادگاه‌های عمومی تهران به دعوی نقض اختراع رسیدگی می‌کند و این شعبه صلاحیت کشوری دارد. از این رو تراکم پرونده در این شعبه زیاد بوده و متوسط زمان رسیدگی در آن حدود پانزده تا بیست و چهار ماه است. شرکت چینی پس از اطلاع از پاسخ، اعلام کرد که وجود تنها یک شعبه تخصصی در تهران و فقدان آن در اصفهان، هزینه معاملاتی را افزایش خواهد داد. از این رو در صورتی حاضر به عقد قرارداد خواهد شد که از هم‌اکنون مبلغی از سوی طرف ایرانی بابت نقض احتمالی اختراع در ایران و هزینه‌های استخدام وکیل و ایاب و ذهاب به تهران در نظر گرفته شده و به قرارداد افزوده شود (بهادری جهرمی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۵).

۲-۳. تأثیر تخصص‌گرایی قضایی در بهبود کیفیت دادرسی و آراء

دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری باعث بهبود کیفیت دادرسی می‌شوند، زیرا تخصص دادگاه امکان رسیدگی به اختلافات بر اساس تجربیاتی که دادگاه از حل اختلافات قبلی مالکیت فکری کسب کرده است را فراهم می‌کند. تخصص دادگاه در اختلافات مالکیت فکری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از دادگاه‌ها به‌طور مکرر تقاضا می‌شود تا درخصوص اقدامات موقتی، طی مدت کوتاهی تصمیم‌گیری نمایند و بنابراین «دستور موقت فوری و مؤثری» را صادر کنند. این محدودیت‌های زمانی، بر خورداری چنین دادگاه‌هایی از توانایی تصمیم‌گیری سریع و کارآمد را ضروری می‌سازد (de Werra, 2016, p.24).

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، مراجع ویژه و کارکنان قضاتی که به‌خوبی به این دسته از پرونده‌ها مسلط هستند، منجر به عملکرد ساده و فرایند کارآمدتر می‌شود. با هدایت دسته‌ای از پرونده‌ها به دادگاه‌های ویژه، حجم پرونده‌ها در دادگاه‌های عادی کاهش می‌یابد و بر عملکرد آنها نیز تأثیر مثبت خواهد داشت. از دیگر سو، دستگاه قضایی متشکل از متخصصان به تصمیم‌گیری‌هایی با کیفیت بالاتر، به‌ویژه در زمینه‌های پیچیده قانون منجر می‌شود. تخصص دادگاه، به‌ویژه با توجه به این خطر که دادگاه‌های عمومی ممکن است به دلیل پیچیدگی‌های فنی اختلافات تمایل داشته باشند اختیار تصمیم‌گیری خود را به کارشناسان فنی واگذار کنند، یک مزیت تلقی می‌شود و به نوبه خود، بی‌طرفی آراء را بهبود می‌بخشد. بنابراین تخصص و تجربه بیشتر قضات منجر به تصمیمات بهتر، نتایج مطلوب برای طرفین دعوی و رضایت بیشتر مراجعان خواهد شد (Gramckow and Walsh, 2013, p.6).

۲-۴. همگامی محاکم ویژه با تحولات پویای حقوق مالکیت فکری

یکی دیگر از مزایای مراجع قضایی ویژه مالکیت فکری، قابلیت همگامی با تحولات پویای حقوق مالکیت فکری و سازگاری سریع با آنهاست. محاکم ویژه در مقایسه با محاکم عمومی در پذیرش موضوعات جدید حقوق مالکیت فکری و اجرای قوانین جدید از توانمندی بالاتری برخوردارند. موضوعات حقوقی دائماً در حال تحول مانند حقوق مالکیت فکری، برای انطباق با فناوری‌ها و مسائل در حال تغییر، نیازمند تخصص قضایی و حرفه‌ای هستند. انتظار می‌رود که تخصص‌گرایی حرفه‌ای در نظام‌های قضایی به‌ویژه در زمینه مالکیت فکری، درک جامع و پاسخگویی بهتری نسبت به ماهیت پیچیده و تغییرپذیر حقوق مالکیت فکری به ارمغان بیاورد. با توجه به تأثیرات عمیق فناوری بر حقوق مالکیت فکری، انعطاف‌پذیری دادگاه‌های ویژه در اتخاذ سریع ابزارها و الزامات جدید حقوقی بسیار ارزشمند است. همچنین طرفداران تخصص‌گرایی قضایی در حوزه مالکیت فکری معتقدند قضاتی که مسئولیت اصلی‌شان رسیدگی به مسائل مالکیت فکری است، برخلاف دادگاه‌های عمومی، فرصت بیشتری برای توسعه و بهبود دانش خود دارند (Ettlin, 2018, p.93).

۲-۵. افزایش انسجام قضایی و پیش‌بینی‌پذیری آراء

ایجاد دادگاه‌های ویژه با صلاحیت انحصاری در زمینه‌های خاصی از قانون، یکنواختی تصمیمات را در آن حوزه‌ها افزایش می‌دهد و در نتیجه به پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد بیشتر به دادگاه‌ها و احتمالاً کاهش نرخ تجدیدنظر کمک می‌کند (Gramckow and Walsh, 2013, p.6). دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری نیز می‌توانند به ایجاد ثبات و یکپارچگی در این حقوق کمک کنند. این امر منجر به پیش‌بینی‌پذیری نتایج دادرسی‌ها می‌شود که به نفع طرفین اختلاف و به‌طور کلی جامعه است و در نتیجه کارایی را بهبود می‌بخشد (de Werra, 2016, p.25).

انسجام و یکپارچگی از تشمت آراء و سردرگمی جلوگیری می‌کند و حتی می‌تواند به شکل‌گیری دکترین حقوقی منسجم و یکپارچه منجر شود. تجمیع پرونده‌های مالکیت فکری در یک یا چند دادگاه، تعداد قضاتی که نظر می‌دهند را محدود می‌کند و احتمال وجود رسیدگی‌های متناقض از چندین حوزه قضایی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، سطح بالاتری از تخصص قضایی که دادگاه‌های ویژه ارائه می‌دهند، آشنایی قضات با رسیدگی‌های مرتبط را افزایش می‌دهد و این امر یکپارچگی را بیشتر می‌کند. یکپارچگی در دعاوی مهم است، زیرا عدم اطمینان را کاهش و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری نتایج پرونده را افزایش می‌دهد. این امر باعث کاهش دعاوی می‌شود، زیرا زمانی که پرونده‌های فاقد استحقاق و شایستگی باشد، این موضوع برای اصحاب دعاوی بالقوه واضح‌تر می‌شود. در نتیجه، کسب‌وکارها اطمینان بیشتری دارند که از سرمایه‌گذاری‌هایشان در نوآوری حمایت می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد استراتژی تجاری خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند و این امر رشد اقتصادی را تحریک می‌کند (Zuallcoble and Castañeda, 2012, p.5).

۲-۶. تثبیت جایگاه مالکیت فکری در نظام اجتماعی - اقتصادی

در نهایت، دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری از طریق اعلام اینکه دولت آن را حوزه‌ای مهم برای حمایت تلقی می‌کند، ابزاری جهت ارتقای جایگاه حقوق مالکیت فکری در یک کشور شناخته می‌شوند (de Werra, 2016, p.26). ایجاد و عملکرد مؤثر یک نظام قضایی مالکیت فکری یک تصمیم سیاست‌محور است که با هدف تشویق نوآوری و سرمایه‌گذاری، آگاهی بیشتر از حقوق مالکیت فکری را افزایش می‌دهد و اولویت‌های دولت را در این زمینه نشان می‌دهد. یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های اجتماعی تأسیس دادگاه ویژه مالکیت فکری این است که به مردم نشان می‌دهد که دولت به مالکیت فکری علاقه دارد و از آن حمایت خواهد کرد. این امر ممکن است اعتماد را به کل نظام مالکیت فکری افزایش دهد و به نوبه خود، سرمایه‌گذاری و نوآوری را تشویق کند (Gurgula and others, 2022, p.207). وقتی طرفین اختلاف در حوزه مالکیت فکری که حوزه‌ای بسیار خاص و فنی است احساس کنند که یک قاضی با دانش فنی در زمینه فعالیت آنها به شکل متفاوتی به اختلاف آنها رسیدگی می‌کند و با زبان خودشان صحبت می‌کند، واقعیت بازار را می‌شناسد و موضوعات اصلی و اساسی اختلاف را درک می‌کند، احساس می‌کنند که منافع‌شان با درک بیشتری مورد توجه قرار گرفته و در دسترس باکفایتی قرار دارد. بنابراین وجود دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری، اعتماد جامعه تجاری، کسب‌وکارها و جامعه هنری را افزایش می‌دهد (Ettlin, 2018, p.94).

۳. دلایل ناظر بر سیاست‌های کلان و دیدگاه کارشناسان

ارزیابی ضرورت تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری با توجه به اسناد و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در این زمینه و همچنین بررسی نظرات و مطالبات فعالان و کارشناسان این حوزه از دو جهت حائز اهمیت است؛ نخست، در صورت وجود سیاست‌های کلان مرتبط با این موضوع در اسناد بالادستی و همچنین توافق و مطالبه عمومی برای بهبود فرایندهای رسیدگی به اختلافات، تشکیل مراجع قضایی مالکیت فکری قابل دفاع خواهد بود. دوم، بر اساس نیازها و اولویت‌هایی که در نتیجه این ارزیابی مشخص می‌گردد، کارآمدترین سیاست قضایی در این زمینه اتخاذ خواهد شد.

۳-۱. بررسی اسناد و سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه مالکیت فکری

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که در آبان ۱۳۸۲ ابلاغ گردیده، بر ایفای نقش مؤثر مبتنی بر فناوری و نوآوری در منطقه تأکید شده است. هر چند در این سند اشاره مستقیمی به اهمیت نظام مالکیت فکری نشده، لزوم طراحی و استقرار نظام جامع مالکیت فکری به منظور گسترش بازار محصولات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری در بند «الف» ماده ۴۵ و همچنین پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت فکری در قلمرو قضایی در شق دوم بند «ز» ماده ۱۳۰ چهارمین برنامه پنج‌ساله توسعه که اولین برنامه پنج‌ساله توسعه در چهارچوب چشم‌انداز بیست‌ساله کشور به‌شمار می‌رود، مشهود و امیدوارکننده است. با توجه به محقق نشدن استقرار نظام جامع مالکیت فکری در طول سال‌های اجرای این برنامه (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)، روند توجه به تقویت نظام مالکیت فکری در نقشه جامع علمی کشور و همچنین برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم ادامه یافته است (مشایخ، ۱۳۹۸، صص ۲۲-۲۱). همچنین در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی علم و فناوری نیز بر اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش سهم دانش در تولیدات صنعتی و فناوری‌های پیشرفته اقتصاد ایران تأکید شده است. علاوه بر این، در سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغی سال ۱۳۸۸ بر اهتمام به تشکیل دادگاه‌های تخصصی تأکید شده است.

در نقشه جامع علمی کشور به منزله یک سند بالادستی که در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴ را تبیین می‌کند، یکی از موضوعاتی که نسبتاً به تفصیل به آن پرداخته شده، توجه به مالکیت فکری در دو سطح راهبردها و اقدامات ملی است. ذیل راهبرد کلان نخست نقشه جامع علمی که به موضوع مهم اصلاح ساختارها و نهادهای علم و فناوری و انسجام بخشیدن به آنها می‌پردازد، اقدامات ملی ۵ تا ۹ به موضوع ساماندهی نظام مالکیت فکری اختصاص پیدا کرده است. به‌طور خلاصه، موضوعات این پنج اقدام عبارتند از تعیین مرجع ثبت و اعتبارسنجی مالکیت فکری در کشور (اقدام ۵)، ایجاد نهاد دادرسی تخصصی برای رسیدگی به شکایات (اقدام ۶)، ایجاد نظام ثبت اختراع امتحانی در حوزه‌های اولویت‌دار (اقدام ۷)، اصلاح و تکمیل و ترمیم نظام پشتیبان ثبت اختراع (اقدام ۸) و تقویت و ساماندهی قوانین و مقررات مالکیت فکری (اقدام ۹) (نژادنوری و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۲۲-۲۱). در همین راستا ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور که وظیفه تدوین و تصویب سیاست‌های اجرایی اقدامات ملی نقشه جامع را بر عهده دارد در سال ۱۳۹۲ مصوبه‌ای با عنوان «سیاست‌های اجرایی اقدامات ملی مربوط به مالکیت صنعتی از نقشه جامع علمی کشور» را ابلاغ کرد. در بخش دوم این مصوبه، سیاست‌های اجرایی ناظر بر ایجاد نهاد دادرسی تخصصی برای رسیدگی به شکایات، به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

- رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری در مراجع دادرسی تخصصی از جمله دادسراها و شعب تخصصی.
- تسهیل داوری و حل اختلاف تخصصی مسائل مربوط به مالکیت فکری در مراجع تخصصی و حقوقی غیردولتی.
- انجام کلیه اقدامات حوزه حقوقی و قضایی مالکیت فکری توسط قضات، وکلا، کارگشایان، مشاوران و کارشناسان رسمی متخصص و مسلط به قوانین و رویه‌های جدید و فضای کسب‌وکار جامعه.

سند تحول قضایی که در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسیده، یکی از راهبردهای مرتبط با نقص در زیرساخت‌های مؤثر برای صدور آراء و تصمیمات متقن و اطاله در فرایند رسیدگی را تخصصی نمودن فرایندهای رسیدگی معرفی کرده است. بر اساس این راهبرد در سند مذکور، قوه قضائیه مأموریت یافته است تا آیین‌های دادرسی تخصصی را تدوین و تصویب آن را

پیگیری نماید و شعب تخصصی رسیدگی با ساختارهای متناسب را ایجاد کند. همچنین بر اساس ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری ناشی از این قانون و آیین‌نامه آن در صلاحیت شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است. با این حال، لایحه آیین دادرسی تجاری که بیش از یک دهه پیش و در سال ۱۳۹۰ به مجلس تقدیم شده در بند ۶ ماده ۲۵ اعلام می‌کند که رسیدگی به دعاوی راجع به اموال و حقوق مالکیت فکری، صنعتی و تجاری در صلاحیت دادگاه اختصاصی تجاری است. این لایحه که با هدف تخصص‌گرایی قضایی در تجارت تهیه شده و در حال حاضر بلا تکلیف مانده، موضوعات مالکیت فکری را نیز به‌عنوان بخشی از دعاوی تجاری، تحت شمول خود قرار داده است. اما تنها اقدامی که تا زمان نگارش این تحقیق در زمینه تخصص‌گرایی قضایی در تجارت صورت گرفته، تشکیل مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری در تهران است که صلاحیت آن مشتمل بر موضوعات مالکیت فکری نیست.

از سوی دیگر، قانون حمایت از مالکیت صنعتی که در تیر ماه ۱۴۰۳ به تصویب مجلس رسیده، در ماده ۱۴۳ مقرر می‌دارد که «رسیدگی به اختلافات و دعاوی ناشی از اجرای این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن حسب مورد در صلاحیت شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری مستقر در تهران است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، توسط رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. دادرسی رسیدگی‌کننده به جرایم موضوع این قانون نیز در معیت دادگاه‌های کیفری تهران است...». بر اساس تبصره ۲ ماده مزبور، قضات این مجتمع باید دارای دانش حقوقی مرتبط با مالکیت فکری باشند و مطابق تبصره ۳ صلاحیت دادگاه‌ها و دادرسی‌های فوق از نوع تخصصی است و این مراجع به سایر پرونده‌ها نیز رسیدگی می‌کنند. بنابراین هرچند قانون اخیر نیز مانند قانون مصوب ۱۳۸۶ رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری را منحصر به تهران دانسته است، اما افزایش تعداد شعب تخصصی مالکیت فکری و تجمع آنها در قالب یک مجتمع قضایی می‌تواند به‌عنوان گامی رو به جلو در تخصص‌گرایی قضایی، امیدوارکننده باشد. آنچه در این امیدواری مورد توجه است، شیوه تخصص‌گرایی در قالب مجموعه‌ای از شعب تخصصی مستقر در یک مجتمع قضایی نیست، زیرا نحوه ایجاد و تشکیل مراجع قضایی ویژه مالکیت فکری از موضوع این نوشتار خارج است. بلکه توجه و رویکرد قانونگذار نسبت به اصل موضوع، یعنی اصل پذیرش تخصص‌گرایی قضایی به موجب قانون مصوب ۱۳۸۶ و سپس ادامه دغدغه حمایت و اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در قانون جدید است که نشان از درک دلایل و ضرورت‌های مورد بحث توسط قانونگذار دارد.

۲-۳. نظر کارشناسان درباره تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری

برای توجیه تخصص‌گرایی قضایی در رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری باید در وضعیت فعلی ناکارآمدی‌هایی وجود داشته باشد، به‌نحوی که طرفین اختلاف یا جامعه از عملکرد فعلی متضرر شوند یا رضایت نداشته باشند. به‌عنوان مثال، ممکن است فرایند صدور آراء بسیار طولانی و زمان‌بر باشد و به این ترتیب، مطالبه‌ای مبنی بر تسریع در صدور احکام شکل بگیرد. تأخیر در صدور رأی ممکن است به دلیل تعداد بالای پرونده‌ها یا ناشی از پیچیدگی زیاد برخی از پرونده‌ها باشد که نیازمند صرف وقت و تحقیق بیشتری هستند. نمونه دیگر از ناکارآمدی وضعیت موجود مربوط به حالتی است که هزینه‌هایی که اصحاب دعوا در مسیر اجرای حقوق قانونی خود متحمل می‌شوند بالا است. چنین شرایطی ممکن است به این دلیل باشد که آنها باید حقوق خود را در چندین حوزه قضایی یا از طریق چند مرجع مختلف پیگیری نمایند. اگرچه در برخی موارد تخصص‌گرایی می‌تواند نتیجه الزامات قانونی باشد، اغلب ناشی از نیازها یا خواسته‌های خاصی است که غالباً از خارج از

دستگاه قضایی سرچشمه می‌گیرند و باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرند تا مشخص شود آیا تخصص‌گرایی مفید واقع خواهد شد و اگر چنین است، کدام شکل یا الگوی تخصص‌گرایی بهتر است. حتی الزامات قانونی برای ایجاد دادگاه‌های ویژه‌ای مانند دادگاه‌های اطفال و نوجوانان یا دادگاه‌های خانواده نیز معمولاً نتیجه یک تقاضای بیرونی است که گاهی ناشی از نارضایتی از نحوه رسیدگی یا روند پرونده‌های خاص است.

غالباً انگیزه برای تغییرات نتیجه تحقیقاتی است که یا نیازهای خاصی را که توسط دادگاه‌های عمومی برآورده نمی‌شود مطرح می‌کنند یا توضیح می‌دهند که چرا برخی پرونده‌ها بیشتر از حد نیاز زمان می‌برند و یا ناشی از روندهای اقتصادی یا اجتماعی است که نیاز به اصلاح از طریق تخصصی شدن فرایندها را نشان می‌دهند (Gramckow and Walsh, 2013, p.4).

در یک تحقیق کیفی، طی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با برخی صاحب‌نظران و متخصصان حقوق مالکیت فکری، تعدادی از عوامل مؤثر بر حمایت از مالکیت صنعتی مورد شناسایی قرار گرفته که بخشی از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مربوط به حوزه دادرسی مالکیت فکری است. به‌طور مشخص اشاره شده است که شعب قضایی مالکیت فکری باید افزایش یابد و مراجع تخصصی مالکیت فکری در تهران و مراکز استان‌ها ایجاد شود. همچنین افزایش تعداد قضات و وکلای تخصصی مالکیت فکری، به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مهم در بهبود حمایت از مالکیت فکری بیان گردیده و به دلیل تعداد کم شعب قضاتی که به اختلافات مالکیت فکری رسیدگی می‌کنند، زمان رسیدگی بسیار بالا عنوان شده است (قربانی سیاوشانی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۶۳-۳۷). همچنین در پژوهش دیگری که در چهارچوب نظام ملی نوآوری به نظام مالکیت فکری ایران می‌پردازد، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این نظام از طریق ارسال پرسش‌نامه برای فعالان و صاحب‌نظران حوزه مالکیت فکری در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، یکی از نقاط ضعف نظام مالکیت فکری ایران، دشوار بودن فرایندهای دادرسی و پیگیری نقض حقوق مالکیت فکری است (مشایخ، ۱۳۹۸، ص ۲۵). علاوه بر این، بر اساس گزارش «بررسی تطبیقی لزوم ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به دعاوی مالکیت معنوی» که در سال ۱۳۹۷ توسط کمیسیون حمایت قضایی و مالکیت فکری اتاق ایران تهیه شده، وجود تنها یک دادگاه در تهران برای رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری، مشکلات زیادی را برای افرادی که گام در مسیر تجاری‌سازی گذاشته‌اند ایجاد کرده است.

نتیجه

از منظر حقوق مالکیت فکری، دلایل متعددی را می‌توان برای دفاع از ایجاد مراجع قضایی در این زمینه برشمرد. به‌طور مشخص، اهمیت این دسته از حقوق در تجارت بین‌الملل آن را به مرکز توجهات بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل کرده است؛ به‌نحوی که توافقات شکل گرفته طی چند دهه اخیر منجر به بروز بیشترین حد ممکن از هماهنگی میان نظام‌های حقوقی سراسر جهان شده و به نظر می‌رسد که این همکاری و هماهنگی گسترده میان کشورها نه تنها خاتمه نیافته، بلکه روزبه‌روز موضوعات و مسائل جدیدی را تحت شمول خود قرار می‌دهد، تا جایی که حتی بدون وجود الزام مصرح قانونی، تعداد قابل توجهی از بازیگران عرصه بین‌المللی مالکیت فکری، به‌نحو داوطلبانه، حمایت و اجرای مؤثر این دسته از حقوق را از طریق ایجاد مراجع قضایی ویژه دنبال کرده‌اند. در کنار توجه به تغییر و تحولات عرصه بین‌المللی مالکیت فکری، اهمیت تجاری و اقتصادی این دسته از حقوق در عرصه داخلی نیز یکی دیگر از دلایل گرایش دولت‌ها به سمت تخصص‌گرایی قضایی است. بسیاری از کشورها به‌ویژه آنهایی که در مسیر توسعه قرار دارند، حمایت و اجرای مؤثر این

حقوق را امکان و فرصتی مهم برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود می‌دانند و تلاش می‌کنند تا با ایجاد مراجع قضایی مالکیت فکری، زمینه و بستر مناسب رشد و توسعه فناوری و نوآوری را مهیا نمایند. علاوه بر این، صاحب‌نظران و متخصصان این شاخه از حقوق، آن را واجد ویژگی‌هایی می‌دانند که ضرورت تخصص‌گرایی قضایی را توجیه می‌نماید. آنها از یک سو بر پیچیدگی‌های فنی و علمی دسته‌ای از اختلافات مالکیت فکری مانند دعاوی ثبت اختراع تأکید می‌کنند که حل و فصل آنها در مراجع عمومی نتایج نامطلوبی برای طرفین اختلاف، دارندگان حقوق و به‌طور کلی جامعه در پی خواهد داشت و از سوی دیگر، حقوق مالکیت فکری را مجموعه‌ای از قواعد پیچیده، گسترده و مبهم می‌دانند و بیان می‌کنند که انتظار از مراجع قضات عمومی برای تسلط و برخورداری از مهارت لازم در این زمینه، توقعی فراتر از توان و ظرفیت آنهاست، چراکه هر یک از مصادیق حقوق مالکیت فکری از اصول، قواعد و اهداف مختص به خود برخوردار است و نمی‌توان انتظار داشت که قضات مراجع عمومی، نسبت به همه این تفاوت‌ها و جزئیات گسترده، از دانش و دقت کافی برخوردار باشند. این دسته از ماهیت و خصوصیات حقوق مالکیت فکری به همراه تنوع در شیوه‌ها و رویه‌های نقض و حمایت از آن و همچنین تلافی با سایر زمینه‌های حقوقی، دعاوی مالکیت فکری را به معادلاتی چندمجهولی و پیچیده تبدیل کرده که رسیدگی به آنها در مراجع عمومی، نه تنها کارایی حقوق مالکیت فکری و به‌طور کلی نظام حل و فصل اختلافات را مختل و خالی از فایده می‌سازد، بلکه منجر به تحمیل هزینه‌های بیشتر به دارندگان این حقوق و جامعه گردیده و اعتماد و اطمینان به کل نظام حقوق مالکیت فکری را در سطح داخلی و بین‌المللی از بین خواهد برد. در کشور ما نیز هرچند دلایل و دغدغه ضرورت تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری و بهبود کلی فضای نوآوری در سیاست‌ها و اسناد مورد تصریح و توجه قرار گرفته، اما شیوه فعلی رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری از سمت دارندگان این حقوق و کارشناسان و جامعه محل نقد و اعتراض است. در نهایت، هرگونه تغییر یا اصلاح در شیوه فعلی مستلزم درک کاملی از دلایل و چرایی تخصص‌گرایی قضایی در مالکیت فکری، ابعاد مختلف ماهیت منحصر به فرد این زمینه حقوقی و اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و جامعه است که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدیان، مریم (۱۴۰۱)، وضعیت ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI) سال ۲۰۲۲، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. آفایی، مهلا، سید سعید ملک‌الساداتی و مصطفی سلیمی‌فر (۱۳۹۷)، «یک مدل پویا برای بررسی ارتباط حقوق مالکیت فکری و پیچیدگی اقتصادی: مطالعه شاخص جدید نوآوری مبتنی بر دانش»، دانشنامه حقوق اقتصادی ۲۵، شماره ۱. <https://doi.org/10.22067/le.v25i13.66103>.
۳. بهادری جهرمی، زهرا، زهرا شاکری، و محسن صادقی (۱۴۰۰). حل و فصل غیرقضایی اختلافات حقوق مالکیت فکری، تهران، پژوهش‌های عدالت.
۴. حاجی‌محمد، انسیه، منصور عطاشنه و ابومحمد عسگرخانی (۱۴۰۱)، «بررسی راه‌های نقش حقوق مالکیت فکری بر توسعه اقتصادی»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۵، شماره ۸. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.276342.1604>.
۵. خداپرست مشهدی، مهدی، سارا صمدی، محمود هوشمند، و مصطفی سلیمی‌فر (۱۳۸۸)، «تأثیر حمایت از تأمین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد مقداری ۶، شماره ۴. <https://doi.org/10.22055/jqe.2009.10688>.
۶. رئیسی، لیل (۱۳۸۶)، «بررسی محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی»، نشریه نامه مفید ۱۳، شماره ۶۴.
۷. _____ (۱۳۹۲)، نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی، تهران، انتشارات جنگل.
۸. شاه‌حسینی، سمیه، شهرام وصفی اسفستانی و سمیه ناصرزاده (۱۳۹۶)، «ارزیابی نقش حمایت از حقوق مالکیت فکری در رشد اقتصادی؛ مطالعه موردی TRIPS»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ۲۱، شماره ۸۴.
۹. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، نقشه جامع علمی کشور.

۱۰. شیخی، مریم (۱۳۹۴)، اصول حقوق مالکیت فکری، تهران، نشر میزان.
۱۱. قدسی پور، سید حسن، کریم زاهدی خوزانی، یونس محمدی، امید امراله، قاسم آزادی احمدآبادی، حمزه علی نورمحمدی، مجتبی طاووسی و میثم داوری (۱۳۹۹)، روند تحولات شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۸)، ستاد علم و فناوری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. قربانی سیاوشانی، املیا، علی داوری، مهدی فقیهی، حسام زند حسامی و امیرهوشنگ فتحی‌زاده (۱۳۹۸)، «شناسایی عوامل مؤثر بر حمایت از مالکیت صنعتی با هدف توسعه کارآفرینی»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری ۷، شماره ۱. <https://doi.org/10.22104/jtdm.2019.3196.2107>.
۱۳. مشایخ، جواد (۱۳۹۸)، «توصیه‌های سیاستی برای ارتقای نظام مالکیت فکری در ایران»، فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری ۹، شماره ۲.
۱۴. مهدوی، ابوالقاسم، و سجاد برخوردار (۱۳۸۷)، «حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مورد ایران)»، مجله دانش و توسعه ۱۵، شماره ۲۴.
۱۵. نژادنوری، محمدمهدی، رمضان قاسم‌پور نرگسی، حجت‌الله حاج‌حسینی و محمد صدری (۱۳۹۷)، «الگوی نظام حقوق دارایی‌های فکری جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی ۸، شماره ۳۲.
۱۶. نژادنوری، محمدمهدی، رمضان قاسم‌پور نرگسی، حجت‌الله حاج‌حسینی و محمد صدری (۱۳۹۹)، «توسعه شاخص‌های ارزیابی نظام حقوق مالکیت فکری ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی ۱۰، شماره ۳۸.
۱۷. هارت، هربرت لیونل آدولفونسن (۱۳۹۰)، مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی.

ب) منابع لاتین

18. An ICC report on specialised IP jurisdictions worldwide (2016). "Adjudicating Intellectual Property Disputes", International Chamber of Commerce.
19. Antonipillai, Justin, and Michelle K. Lee (2016). "Intellectual Property and the US Economy", United States Patent and Trademark Office.
20. Curtis, John M. (2012) "Intellectual property rights and international trade: An overview", CIGI papers no. 3.
21. de Werra, Jacques (2016). "Specialised IP Courts: Issues and Challenges" In Specialised Intellectual Property Courts-issues and Challenges, Global Perspectives and Challenges for the Intellectual Property System, edited by Jacques de Werra, 15-42. [N.P]: CEIPI-ICTSD.
22. EPO/EUIPO (2019). "Intellectual property rights intensive industries and economic performance in the European Union".
23. Ettlín, Edgardo (2018). "Specialization in intellectual property of tribunals and judiciaries", Revista de Derecho 17, no. 34.
24. Fink, Carsten, and Keith E. Maskus (2005). "Intellectual property and development: lessons from recent economic research", Washington DC, World Bank and Oxford University Press.
25. Gramckow, Heike, and Barry Walsh (2013). "Developing Specialized Court Services: International Experiences and Lessons Learned", Justice and Development Working Paper Series 24.
26. Gurgula, Olga, Maciej Padamczyk, and Noam Shemtov (2022) "Specialized IP Judiciary: What Are the Key Elements to Consider when Establishing or Reforming an Effective IP Court?", GRUR International 71, no. 3.
27. José Schmidt-Kessen, Maria (2012). "The case for a european union intellectual property court", Master's thesis, Lisbon: Universidade Católica Portuguesa (Portugal).
28. Kanwar, Sunil, and Robert Evenson (2003). "Does intellectual property protection spur technological change?", Oxford Economic Papers 55, no. 2.
29. Kanwar, Sunil, and Robert Evenson (2003). "Does intellectual property protection spur technological change?", Oxford Economic Papers, vol. 55, no. 2.
30. Mrad, Fatma (2017). "The effects of intellectual property rights protection in the technology transfer context on economic growth: the case of developing countries", Journal of Innovation Economics & Management 2 (2017).
31. Pinyosinwat, Jumpol (2010). "A Model for Specialized Intellectual Property Court in Developing Countries", PhD diss., Shinjuku: Faculty of Law, Waseda University.
32. Property Rights Alliance. "International Property Rights Index (2023)." Accessed August 7, 2024. <https://www.internationalpropertyrightsindex.org/country/iran>.
33. Seuba, Xavier (2018). "Scientific Complexity and Patent Adjudication: The Technical Judges of the Unified Patent Court", Centre for International Intellectual Property Studies (CEIPI) Research Paper, no. 7. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3009157>.
34. Seuba, Xavier, Christophe Geiger, and Linhua Lu (2016). "The evaluation and modernisation of the legal framework for the enforcement of intellectual property rights", Centre for International Intellectual Property Studies (CEIPI) Research Paper 2016-02. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2966839>.
35. Shemtov, Noam, Olga Gurgula, Maciej Padamczyk, Alina Trapova, and Anna Shtefan (2021). "Ukraine DFID/FCO IP Court Project: The Final Report", Queen Mary Law Research Paper 353.
36. WIPO. "GII (2023) results." Accessed August 7, 2024. <https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo-pub-2000-2023-section1-en-gii-2023-results-global-innovation-index-2023.pdf>.
37. Zimmer, Markus B. (2009). "Overview of specialized courts", IJCA, vol. 2. <http://dx.doi.org/10.18352/ijca.111>.

38. Zualcobley, RohazarWati, and Jorge Castañeda (2012). "Study on specialized intellectual property courts", International Intellectual Property Institute (IPI).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی